

نقدی کوتاه

بر مجموعه قوانین تجارت ایران

امیر حسن نیک طره

تاریخچه

مجموعه قوانین و مقررات تجاری مورد استفاده و استناد در کشور در حال حاضر شامل موارد زیر است:

۱- قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ مشتمل بر ۶۰۰ ماده که در اصل ترجمه و اقتباسی از قانون تجارت فرانسه است و قانون تجارت فرانسه در مدت کوتاهی پس از اقتباس توسط دستگاه قانونگذاری ایران، در فرانسه تغییر یافت؛

۲- لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ مشتمل بر ۳۰۰ ماده که جایگزین مواد ۲۱ لغایت ۹۴ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ گردید و این اصلاحیه، حاکم بر شرکتهای سهامی عام و خاص است؛

۳- آئین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیر تجاری (موضوع ماده ۵۸۴ قانون تجارت) مصوب ۱۳۱۵/۵/۲۰ همراه با اصلاحات بعدی مشتمل بر ۱۴ ماده؛

۴- قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸/۴/۲۴ مشتمل بر ۶۰ ماده و آئین نامه قانون اداره تصفیه و امور ورشکستگی مصوب همان سال مشتمل بر ۶۷ ماده و برخی مقررات و آئین نامه های مربوطه دیگر؛

۵- قانون شرکتهای تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶ همراه با اصلاحات بعدی (که به استناد قانون تشکیل وزارت تعاون انجام پذیرفت) مشتمل بر ۱۴۹ ماده؛

۶- قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳ مشتمل بر ۷۱ ماده (که به استناد ماده ۷۱ آن کلیه قوانین و مقررات مغایر با قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران ملغی است)؛

۷- آئین نامه نحوه تنظیم و تحریر و نگاهداری دفاتر (قانونی) مصوب ۱۳۶۹/۱۲/۲۸ مشتمل بر ۲۱ ماده و برخی آئین نامه های دیگر.

هیئت محترم وزیران به موجب مصوبه شماره ۱۹۲۵/ت/۲۵۵۲۴/ه مورخ ۱۳۸۱/۲/۳۱ مقرر داشتند «ظرف مدت ۶ ماه اصلاحات لازم در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ برای تسهیل ادغام شرکتهای تشکیل شرکتهای مادر، گروه شرکتهای و کنسرسیوم ها، همچنین تسهیل شرایط برای انحلال شرکتهای

تهیه گردد». به نظر می رسد قوانین و مقررات اصلی تجاری کشور ما که براساس قانون تجارت قدیم کشور فرانسه پدید آمده، مشکل بتواند پاسخگوی پیچیدگیهای دنیای تجارت و کسب و کار امروز جهان و سرعت و شتاب فراوانی که ذاتی اینگونه فعالیتهاست و تسهیل کننده امور بازرگانی و اقتصادی باشد. اما چرا پیش از این ضرورت اصلاح و تکمیل قانون تجارت کشورمان در بخشهای مورد اشاره احساس نشده است؟ قانونی که در خود کشور طرح و وضع کننده آن یعنی فرانسه سالهاست که مورد اجراء قرار نمی گیرد. این امر می تواند ناشی از دو علت باشد. اول استحکام و منطق قوی در ساختار قانونی است که نزدیک به یک قرن قبل در فرانسه پدید آمده است و دوم، کم و کیف پایین و محدودیتهای فعالیتهای تجاری و اقتصادی در ایران و عقب ماندگی آن نسبت به کشورهای پیشرفته صنعتی جهان به گونه ای که همین قانون تجارت قدیمی تاکنون توانسته است پاسخگوی نیازها و مقتضیات آن باشد.

اینکه که موضوع سازنگری، اصلاح و تکمیل قانون تجارت مطرح است باید توجه کرد که مجموعه قوانین تجاری فعلی ایران همان طور که در بالا اشاره شد متشکل از یک قانون ترجمه و اقتباس شده و چند اصلاحیه و قانون و آئین نامه تکمیلی است که طی سالیان گذشته حسب ضرورت وضع و به آن اضافه شده است. این مجموعه به علت نحوه و روند پدید آمدن آن و عدم تطابق با شرایط روز، از هماهنگی و جامعیت لازم برخوردار نیست و علاوه بر موارد مذکور در مصوبه مورخ ۱۳۸۱/۲/۳۱ هیئت محترم وزیران، موارد دیگری نیز باید در آن مورد تجدیدنظر و اصلاح قرار گیرد. لذا شاید مناسب تر باشد که یک قانون تجارت جدید با بهره گیری از تجربیات اجرای قوانین تجاری فعلی کشور و قانون تجارت سایر کشورها و با درک شرایط پیچیده تجارت و مناسبات اقتصادی و صنعتی امروز جهان وضع و تصویب گردد. به هر تقدیر، کوشش می گردد در سطور زیر به طور اجمال و نمونه به برخی موارد از قانون تجارت فعلی که نیاز به اصلاح یا تکمیل دارد، اشاره شود.

چک اختصاص دارد. با توجه به تحول و تنوع در وسایل پرداخت و امکان استفاده از پول الکترونیکی و شرایط و ضوابط حاکم، ضروری است با بهره گیری از قوانین و مقرراتی که در سایر کشورها مورد استفاده می باشد، این قسمت از قانون تجارت ایران مورد تجدیدنظر قرار گیرد و تکمیل شود.

۶- ضرورت تحول و تجدیدنظر در سایر بخشهای قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ مانند مباحث دلالی و حق العمل کاری (کمسیون) در بابهای ششم و هفتم و غیره نیز احساس می گردد و انجام این مهم، کار کارشناسی دقیقی را طلب می کند.

اصلاحات در اصلاحیه قانون تجارت

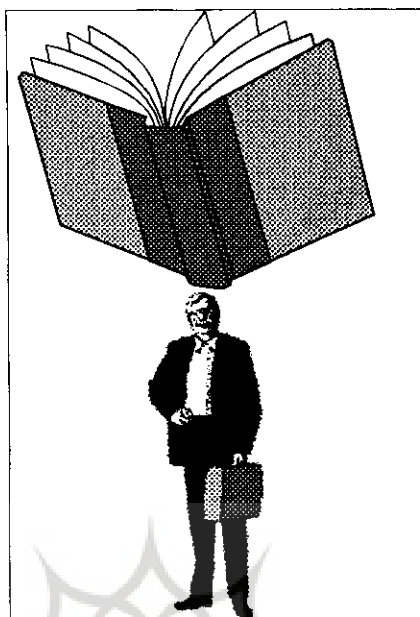
اصلاحیه قانون تجارت (مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴) حاکم بر شرکت های سهامی عام و خاص، ضوابط تاسیس، اداره و انحلال و تصفیه آنهاست.

۱- در ماده ۵ اصلاحیه قانون، حداقل سرمایه مورد نیاز برای ثبت شرکت های سهامی خاص و عامل به ترتیب یک و پنج میلیون ریال تعیین شده که با توجه به شرایط روز و سطح درآمدها و هزینه ها، بسیار پایین و غیرمنطقی است؛

۲- در ماده ۴۰ اصلاحیه قانون، ثبت نقل و انتقال سهام شرکت های سهامی خاص و عام در دفتر سهام و امضای انتقال دهنده (فروشنده) در این دفتر پیش بینی شده است. با توجه به شرایطی که بر نقل و انتقال سهام شرکت های سهامی عام پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار حاکم است، ضروری است به تناسب اصلاحاتی در این ماده انجام پذیرد؛

۳- در بخش ۴ اصلاحیه قانون تجارت طی مواد ۵۱ لغایت ۷۱ نحوه صدور اوراق قرضه به منظور تامین مالی برای شرکت های سهامی عام، نحوه و شرایط بازپرداخت قرضه، امکان تعویض اوراق مزبور بسا سهام و غیره مورد بحث قرار گرفته است. ضمن اظهار اینکه پیش بینی مواد مذکور حاکی از پیشرفته بودن اصلاحیه قانون تجارت در زمان تهیه و تصویب آن بوده است، مسوود زیر را نیز می توان در جهت تقویت آن پیشنهاد کرد:

• صدور اوراق قرضه تنها توسط شرکت های سهامی عام پذیرفته شده در بورس اوراق



مجموعه قوانین تجاری فعلی ایران
متشکل از یک قانون
ترجمه و اقتباس شده
و چند اصلاحیه تکمیلی است
که طی سالیان گذشته
حسب ضرورت
به آن اضافه شده است.

اصلاحات در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳

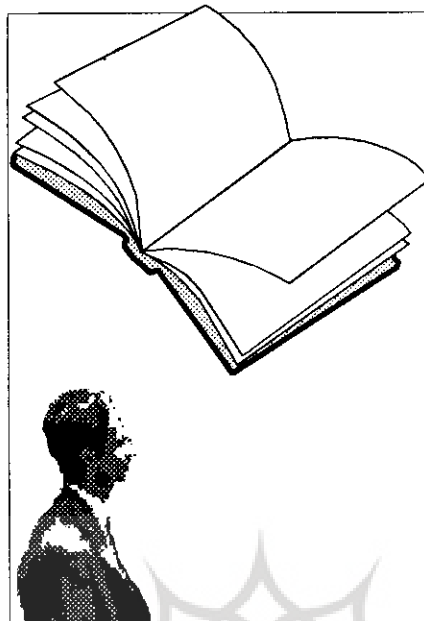
۱- ماده ۱ قانون به تعریف «تاجر» اختصاص دارد و می گوید «تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد». از آنجایی که قانون تجارت ناظر بر معاملات تجاریست و این معاملات می تواند توسط شخصی که علاوه بر تجارت، مشاغل دیگری نیز داشته و به کارهای دیگری نیز اشتغال داشته باشد، لذا به نظر می رسد که تعریف تاجر باید مورد بازنگری قرار گیرد.

۲- ماده ۲ قانون نوع و حدود «معاملات تجاری» را مشخص و بیان نموده است. با عنایت به تنوع و پیچیدگی های فعالیت های تجاری و بازرگانی عصر جدید که ناشی از گستردگی فعالیت های صنعتی و تولید کالاها و خدمات می شود، نمونه های ارائه شده برای معاملات تجاری در این ماده بویژه در رابطه با «فعالیت های خدماتی» از جامعیت لازم برخوردار نمی باشد.

۳- ماده ۶ قانون دفاتری را که تاجر مکلف به نگهداری و ثبت آنهاست، مورد اشاره قرار داده است. موارد ذکر شده در این ماده با توجه به تحولات عمیق در حرفه حسابداری و استقرار نظام های مالی الکترونیک و بویژه امکان بکارگیری سیستم های PAPER LESS، باید مورد تجدیدنظر کلی قرار گیرد. البته در آئین نامه نحوه تنظیم و تحریر و نگاهداری دفاتر (مصوب ۱۳۶۹/۱۲/۲۸) موضوع تبصره ۱ ماده ۹۵ قانون مالیات های مستقیم (مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳) به طور نسبی به این موارد توجه شده اما کافی نیست.

۴- ماده ۲۰ قانون هفت نوع شرکت های تجاری را معین نموده است که نوع اول یعنی شرکت های سهامی خودیه شرکت های سهامی عام و خاص تقسیم می گردند و شرکت های تعاونی نیز به شرکت های تعاونی تولید و تعاونی مصرف تقسیم می شوند. برخی از انواع این شرکتها مانند «مختلط غیر سهامی» و «مختلط سهامی» در عمل مورد عنایت و استفاده نیستند. لذا باید با توجه به ضرورتها و نیازها، انواع شرکت های تجاری و چارچوب قانونی آنها مجدداً تعریف گردد.

۵- باب چهارم قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ به برات، فته طلب (سفته) و



**ضرورت تحول
و تجدیدنظر
در قانون تجارت فعلی
احساس می شود
و انجام این مهم
کار کارشناسی دقیقی را
طلب می کند.**



حداکثر یک ماه و سپردن آن به صندوق شرکت اشاره شده است. در مورد شرکتهای عضو بورس اوراق بهادار که ممکن است به علل مختلف نماد معاملاتی آنها بیش از مدت یک ماه در بورس بسته باشد و امکان تهیه سهام توسط مدیر منتخب در مهلت تعیین شده در این ماده وجود نداشته باشد، باید تدابیر لازم اندیشیده شود؛

۶- در تبصره ماده ۱۳۴ اصلاحیه قانون پیش بینی شده که «هیئت مدیره در هر موقع می تواند مدیرعامل را عزل کند». به منظور کمک به ثبات مدیریت اجرایی شرکت و جلوگیری از افراط و تفریط در تصمیم گیریها، مناسب تر است این تبصره به شرح زیر اصلاح شود: «هیئت مدیره در هر موقع با استناد به دلایلی که ارائه می دهد می تواند مدیرعامل را عزل کند. این دلایل باید مبتنی بر عدم اجرای وظایف و مسئولیتها و ماموریتهایی باشد که توسط هیئت مدیره به مدیرعامل محسول گردیده و یا عدم رعایت شرایط و ضوابط کاری تعیین و ابلاغ شده از سوی هیئت مدیره توسط مدیرعامل باشد».

۷- بخش ۹ اصلاحیه قانون به موضوع انحلال و تصفیه اختصاص دارد که طی مواد ۱۹۹ لغایت ۲۳۱ توضیح داده شده و شرایط و نحوه عمل انحلال و تصفیه شرکتهای سهامی مشخص شده است. تطویل مراحل انحلال و تصفیه شرکتهای سهامی به علت دقت قانونگذار در مورد انجام کار به نحو صحیح و به گونه ای است که حقیقی از ذینفعی تضییع نگردد. با توجه به طولانی بودن مراحل انحلال و تصفیه شرکتهای سهامی عام و خاص، کسانی که برای کوتاه مدت و به منظور انجام امور محدود مایل به تاسیس شرکت هستند، ترجیحاً بهتر است شرکت با مسئولیت محدود تاسیس کنند.

۸- در بخش ۱۰ اصلاحیه قانون مواد ۲۳۲ لغایت ۲۴۲ به الزام تهیه و ارائه حسابها و گزارشات مالی نهایی شرکتهای جهت تصویب اختصاص داده شده است. در بخش مذکور الزام و ضرورت تهیه گزارشات و حسابهای تلفیقی (CONSOLIDATED ACCOUNTS) برای شرکتهای مادر (HOLDING CO.) و شرکتهای تابعه آنها پیش بینی نشده است، اگرچه طبق استانداردها و ضوابط حرفه ای،

بهادار که در بورس عملکرد قابل قبولی دارند، مجاز شناخته شود؛

• دلایل منطقی برای صدور اوراق قرضه (مانند دلایل افزایش سرمایه) پیش بینی و توسط حسابرسان مستقل و بازرسان قانونی شرکت بررسی و گزارش گردد؛

• مبلغ و سقف صدور اوراق قرضه باید با میزان سرمایه ثبت و پرداخت شده شرکت، حجم فروش و میزان سودآوری سه سال مالی آخر شرکت صادرکننده اوراق قرضه هماهنگی و نسبت مستقیم داشته باشد؛

• تضمینهای لازم برای صدور اوراق قرضه و بازپرداخت آن به طور روشن و دقیق پیش بینی گردد. توضیح اینکه در بند ۱۰ ماده ۵۸ و در بند ۸ ماده ۶۰ اصلاحیه قانون تجارت به تضمینات احتمالی برای صدور اوراق قرضه اشاره شده لکن نوع آن مشخص نشده است. از جمله می توان تکلیف کرد که یکی از بانکها تحت شرایط خاصی بازپرداخت اوراق قرضه را تضمین کند؛

• صدور اوراق قرضه با تصویب مجمع عمومی عادی یا عادی به طور فوق العاده صاحبان سهام انجام پذیرد. اما اگر قرار باشد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام شرکت صادر شود، تدبیری اتخاذ گردد که حداقل ۵۰ درصد کل صاحبان سهام نسبت به آن نظر موافق داشته باشند. برای مثال چنانچه مجمع عمومی با حضور ۶۵ درصد صاحبان سهام تشکیل شده باشد، حداقل ۷۷ درصد از حاضرین در مجمع با صدور اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام موافق باشند؛

۴- در ماده ۱۰۶ اصلاحیه قانون به آن گروه از تصمیمات مجمع عمومی (اعم از عادی یا فوق العاده) که مستلزم ارائه صورتجلسه مربوطه به مرجع ثبت شرکتهای جهت ثبت و آگهی در روزنامه رسمی کشور است، اشاره شده است. در این ماده ضروری است:

• به بند ۲ صورت حساب سود و زیان سال مالی مورد نظر نیز اضافه شود؛

• یک بند به عنوان بند ۵ در مورد تصمیم مجمع عمومی در مورد صدور اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام شرکت افزوده گردد.

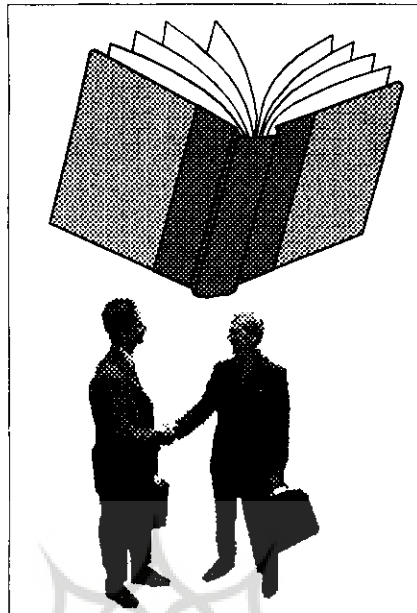
۵- در ماده ۱۱۵ اصلاحیه قانون به ضرورت داشتن سهام وثیقه توسط مدیران (اعضای هیئت مدیره) منتخب و یا تهیه آن ظرف

شرکتهای تعاونی در فصل هجدهم قانون شرکتهای تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶ مواد ۹۵ لغایت ۱۰۶ به ادغام اینگونه شرکتهای اختصاص دارد. درخصوص انحلال و ازبین رفتن شخصیت حقوقی یک شرکت سهامی (عام یا خاص) و علل مختلف آن، مقررات بخش ۹ اصلاحیه قانون تجارت مصوب اسفند ۱۳۴۷ مواد ۱۹۹ لغایت ۲۳۱ حاکم است و دلایل دیگری مانند ادغام در شرکت دیگر پیش بینی نشده است. لذا تا زمانی که مقررات و قواعد ادغام شرکتهای در قانون تجارت ایران منظور نگردد، موانع حقوقی و محدودیتهای ناشی از قانون مدنی و حقوق اشخاص مانع ادغام شرکتهای سهامی خواهد شد. برای مثال، طلبکاران شرکت «الف» که قرار است در شرکت «ب» ادغام شود و شخصیت حقوقی شرکت «الف» ازبین رفته و حقوق و تعهدات آن به شرکت «ب» انتقال یابد، ممکن است به این امر رضایت ندهند.

در رابطه با تشکیل شرکتهای مادر و گروه شرکتهای به نظر نمی رسد که انجام کار تحت قوانین و مقررات موجود با مشکل مواجه باشد. هر شخص حقوقی می تواند سهام چند شرکت دیگر را خریداری و با در اختیار داشتن سهام مدیریتی آنها، شرکتهای سرمایه پذیر را اداره و کنترل کند. کمابینه از سالهای پیش از انقلاب تاکنون از این نوع شرکتهای زیاد داشته ایم. مانند گروه صنعتی بهشهر، گروه ملی و آذرین (مشهور به کفش ملی) و غیره.

درخصوص تشکیل کنسرسیوم یعنی اتحاد و توافق چند شرکت برای انجام کار مشخص تحت مقررات یک قرارداد واحد (مثلاً اجرای بخشهای مختلف یک پروژه توسط هریک از شرکتهای عضو کنسرسیوم) باید گفت که تحت قوانین موجود، قابل انجام است و سالهاست که اجرا می گردد. اما جا دارد که در قانون تجارت به منظور تصریح و تبیین بهتر حقوق و تکالیف هریک از اعضای کنسرسیوم، در مقابل یکدیگر و رابطه با کارفرما و مانند آن، مواردی پیش بینی شود. □

• امیرحسین نیک طره: کارشناس ارشد مسایل اقتصادی و مدرس دانشگاه تهران و دانشکده علوم مالی شرکت نفت



**در قانون جدید می باید
تضمینهای لازم برای
صدور اوراق قرضه
و بازپرداخت آن
به طور روشن
پیش بینی گردد.**

برای شرکتهای مزبور تهیه حسابهای تلفیقی (به منظور ارائه تصویر مناسب تری از ساختار و وضعیت مالی و عملکرد اقتصادی این شرکتهای) ضروری است. لذا باید ماده ای در مورد تعیین چنین تکلیفی برای هیئت مدیره، در نظر گرفته شود؛

۹ - جزایهای نقدی پیش بینی شده در رابطه با شرکتهای سهامی در بخش ۱۱ اصلاحیه قانون (مقررات جزائی) موضوع مواد ۲۴۳ لغایت ۲۶۹ مثلاً ده هزار ریال تا سی هزار ریال (ماده ۲۴۸)، بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال (مواد ۲۴۳، ۲۵۰، ۲۵۱ و ۲۵۲ و...)، سی هزار ریال تا سیصد هزار ریال (ماده ۲۴۶)، پنجاه هزار ریال تا پانصد هزار ریال (ماده ۲۴۴) و غیره با سطح قیمتها و شرایط روز تناسبی ندارد و ضروری است مورد تجدیدنظر قرار گیرد.

ضمناً به موجب ماده ۲۰۱ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ عدم درج مبلغ سرمایه شرکت در سر برگ و اسناد شرکت از دویست ریال تا سه هزار ریال جریمه دارد.

۱۰ - در مصوبه شماره ۱۹۲۵/ت/۲۵۵۲۴/مسورخ ۱۳۸۰/۲/۳۱ هیئت محترم وزیران، همان طور که قبلاً اشاره گردید، فراهم ساختن تسهیل برای ادغام شرکتهای، تشکیل شرکتهای مادر، گروه شرکتهای و کنسرسیوم ها بیه عنوان دلایل ایجاد تغییرات در قانون تجارت فعلی بر شمرده شده است.

در رابطه با ادغام شرکتهای به گونه ای که در بسیاری از کشورهای غربی مرسوم است و به این معنی که مثلاً شرکت «الف» در شرکت «ب» ادغام گردد و شخصیت حقوقی آن ازبین رفته و تنها شخصیت حقوقی شرکت «ب» باقی بماند و کلیه حقوق و تعهدات شرکت «الف» به شرکت «ب» انتقال یابد، در قوانین تجاری ما پیش بینی نشده است. همچنین شکل دیگر ادغام به این صورت که شرکتهای «الف» و «ب» در هم ادغام شده و شخصیت حقوقی جدیدی از ادغام آنها به نام شرکت «ج» پدید آید و شخصیت حقوقی شرکتهای «الف» و «ب» از بین رفته و کلیه حقوق و تعهدات آنها به شرکت جدیدالتاسیس «ج» منتقل گردد نیز در قوانین تجاری و ثبتی، پیش بینی نشده است.

لازم به توضیح است که تنها در مورد